

A Study of the Ethical and Philosophical Aspects of Rumi's Masnavi

نگاهی به جنبه های اخلاقی و حکمی مثنوی مولانا روم

Dr. Shagufta Yaseen Abbasi

Head Department of Persian Studies, NUML, Islamabad

syaseen@numl.edu.pk

Abstract:

Ethics, as a collection of moral virtues, has been one of the most beloved subjects of Persian writers and poets. The Persian language enjoys a unique distinction in that no other literary tradition can rival it in the richness of its ethical teachings. From the second century onward, Persian poets and authors composed numerous works aimed at the moral education of society, the like of which can scarcely be found elsewhere. These include masterpieces such as *Shahnameh* by Ferdowsi, *Akhlaq-i Nasiri*, *Golestan* and *Bustan* by Saadi, *Qabusnameh*, and many others. In this context, one of the most renowned works of Persian literature is *Masnavi-ye Ma'navi* (The Spiritual Couplets) by Rumi. Consisting of approximately 26,000 verses arranged in six books, this monumental work occupies a distinguished place in Persian literature. In the *Masnavi*, Rumi draws extensively upon the verses of the Qur'an, the sayings of the Prophet Muhammad (peace be upon him), and the teachings of mystics and Sufi's to offer moral guidance and spiritual counsel. He skillfully presents ethical and philosophical concepts through captivating and delightful stories, ensuring that for centuries the hearts and minds of readers have remained inspired and enriched by the beauty and eloquence of his writing.

Keywords: Masnavi-ye Ma'navi, Moral Teachings, Advice and counsel, Knowledge and learning

چکیده:

19 اخلاق جمع خلق یکی از محبوب ترین موضوعات نویسندگان و شاعران فارسی بوده است و زبان فارسی امتیازی دارد که از حیث داشتن تعلیمات اخلاقی هیچ ادبیات دیگری با زبان فارسی برابری نمی کند چون شاعران و نویسندگان فارسی از قرن دوم به بعد کتابهایی که برای تعلیمات اخلاقی مردم به نگارش درآوردند نظیر آنان یافته نمی شود از قبیل شاهنامه فردوسی ، اخلاق ناصری ، گلستان و بوستان ، قابوس نامه و غیره شامل می باشد. در همین راستا یکی از معروف ترین آثار فارسی مثنوی معنوی مولوی هم است که بر ۲۶۰۰۰ بیت مشتمل است و دارای شش دفتر می باشد. بدیهی است که مولانا درین مثنوی معنوی با استفاده از آیات قرآن ، احادیث نبوی (ص) اقوال عرفاء و صوفیاء به مردم پند و نصائح کرده است و سعی نموده است که مضامین اخلاق و حکمت را به شیوه حکایات شیرین و دلنشین ضبط تحریر کند که تا قرن ها قلوب و اذهان مردم از شیرین نگاری مولانا عطر آگین شود.

واژه های کلیدی: مثنوی معنوی ، تعلیمات اخلاقی ، پند و نصائح ، علم و دانش

اخلاق جمع خلق، همواره یکی از محبوب ترین موضوعات نویسندگان و شاعران زبان فارسی بوده است. «تاثیر تعلیمات اخلاقی در ادبیات فارسی بسیار وسیع و عمیق است از حیث داشتن تعلیمات اخلاقی هیچ ادبیات دیگری نمی تواند با ادب فارسی برابری کند» (۱)

نویسندگان و شاعران فارسی زبان از قرن دوم به بعد برای تربیت اخلاقی و حکمی مردم کوشیده اند. از جمله: پند و اندرز، حکمت، اخلاق، صبر و شکر وغیره. فردوسی اولین کسی است که توسط اشعارش تربیت اخلاقی و حکمی مردم آغاز نموده بود و بعد از فردوسی همین روال ادامه می یابد و نویسندگان و شاعران بعدی نیز تربیت اخلاقی مردم دوره خود را در نظر داشتند. یکی از کتابهای معروف اخلاقی مثنوی معنوی مولانا هم است که مولانا جلال الدین رومی بنا به اصرار حسام الدین چلیپی آغاز نموده بود. او با سرعت اشعار عارفانه و عاشقانه و فیلسوفانه می سرود و حسام الدین چلیپی آنان را ضبط تحریر می کرد. مثنوی معنوی مولوی که ۲۶۰۰۰ بیت را دربر دارد و مشتمل بر شش دفتر می باشد در حقیقت «یک نمونه بی بدل تمثیل نگاری تلقی شد که در آن مولوی از آیات قرآن، احادیث نبوی و از اقوال عرفاء و صوفیاء و صحابه کرام هم خیلی استفاده کرده است» (۲)

از زندگانی مولانا روم برمی آید که مولانا به عنوان شاعر فریفته از سال ۶۴۲ به بعد شناخته شد. مولانا در نتیجه تعلیمات پدرش و ارشاد سید برهان الدین مایه عرفان و حکمت گرفته بود، همین امر باعث شد که «مولوی مسائل مهم عرفانی و دینی و اخلاقی را مطرح کرده و هنگام توضیح به ایراد آیات و احادیث و امثال و یا تعریض بدانها مبادرت جسته است» (۳)

مولانا روم تا حد واثق کوشیده است که توسط اشعارش تمام جنبه های اخلاقی و حکمی که در زندگی انسانی لزومی دارند، به مردم بیاموزد. شاید همین وجه بود که شاعر مشرق علامه اقبال لاهوری نیز مولانا را پیر و مرشد خود قرار داده می گوید:

پیر رومی خاک را اکسیر کرد از غبارم جلوه ها تعمیر کرد (۴)

ارادت اقبال به رومی تا حدی بود که در آغاز کلیات اقبال ابیات زیر مولانا به چشم می خورد:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر	کز دیو و دد ملولم و انسدم آرزوست
زین همرهان سست عناصر دلم گرفت	شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
گفتم که یافت می نشود جسته ایم ما	گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست (۵)

پیشینه تحقیق:

درین هیچ شکی نیست که در ایران و در جاهای دیگر روی این موضوع حتماً کار شده باشد. اما فصلنامه فارسی دانش که سابقه طولانی در پاکستان دارد. طبق فهرست موضوعی فصلنامه دانش که در شماره ۱۲۱ به چاپ رسیده بود تاکنون ۳۰ مقاله تحت عنوان رومی شناسی منتشر شده اند و دارای عناوین گوناگون می باشند، اما جنبه اخلاقی مثنوی معنوی که بنده مورد بررسی قرار داده است تاکنون پرداخته نشده است مگر اینکه سه مقاله

متشابه این موضوع می توان در نظر گرفت که به قرار زیر اند :

- باز تاب احادیث مصطفوی (ص) در مثنوی معنوی از صغری بانو شکفته ، شماره ۷۰-۷۱.
- سیمای محمد (ص) در مثنوی مولانا از نسرين اختر ، شماره ۸۸.
- تاثیر نهج البلاغه بر مثنوی معنوی از مهدی حسینی ، شماره ۹۸

ضرورت و اهمیت تحقیق:

مثنوی مولانا جلال الدین رومی حاوی بر بیست و شش هزار بیت می باشد و در شش دفتر منقسم شده است .در هر دفتر مولانا کوشیده است که اشعار را تحت داستان یا حکایت دلنشین بیان کند . جالب اینجا است که هر داستانی در خود یک درس اخلاقی دارد.یکی از ویژگی های مثنوی معنوی همین است که وقتی کسی مثنوی را مورد مطالعه خود قرار می دهد حتماً ازش یک درس اخلاقی می آموزد .شاید به همین علت باوجود این که قرنهای گذشته است که مثنوی معنوی پدید آمده بود ولی هنوز هم از شهرت و دلبستگی مردم به این کتاب منفرد بر جای مانده است .

تعداد عناوین به صورت حکایات یا داستانها در هر شش دفتر جمعاً ۹۷۲ بوده است که به قرار زیر می باشد :

دفتر اول : ۱۷۹	دفتر دوم : ۱۱۴	دفتر سوم : ۲۲۸
دفتر چهارم : ۱۳۸	دفتر پنجم : ۱۷۹	دفتر ششم : ۱۴۴

مولانا از اخلاق گرفته تمام موارد انسانی را در اشعارش گنجانده است .به عنوان مثال درباره فضیلت اخلاق و ادب مولانا می فرماید که توفیق ادب و اخلاق از خداوندونند به بنده بخشیده می شود کسی که بی ادب است هرگز مستحق لطف و کرم خدا نمی گردد و بی ادبی فقط به یک نفر مربوط نیست بلکه این آتشی است که تمام جهان تحت تاثیر این آتش قرار می گیرد در حالی که ادب نه فقط باعث نورانیت فلک است بلکه فرشتگان نیز معصوم و پاک اند .

از خدا جوییم توفیق ادب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد
بی ادب پرنور گشت است این فلک
وز ادب معصوم و پاک آمد ملک (۶)

مولانا در جایی ضمن بیان واقعه امیر المومنین علی علی اسلام پیغام اخلاص عمل می دهد و می گوید که نشانی مومن این است که فقط برای رضای خدا کار می کند نا اینکه برای تمکین نفس .حتی که دشمن او در برابر وی ناتوان و عاجز هم باشد .

از علی آموز اخلاص عمل	شیر حق را دان مطهر از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت	زود شمشیری بر آورد و شتافت
او خدو انداخت در روی علی	افتخار هر نبی و هر ولی
آن خدو زد بر رخی که روی ماه	سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی	کرد او اندر غزایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل	وز نمودن عفو و رحمت بی محل
گفت بر من تیغ تیز افراستی	از چه افکندی مرا بگذاشتی (۷)

یا درباره فضیلت علم و دانش مولانا می فرماید که توسط علم و دانش انسان بر مراتب بالا فایز می شود و همین علم است که باعث می شود انسان بزور علم جانوران وحش را هم مطیع خود بکند .

خاتم ملک سلیمان است علم جمله عالم صورت و جان است علم
زو پلنگ و شیر ترسان همچو موش زو شده پنهان بدشت و که وحوش (۸)
و آن علم که بر دل انسان اثر می گذارد مانند یاری است که مراتب انسان را به اوج می رساند و رو بروی دشواری ها برای انسان همانند سپری است که او را از مشکلات می رهند ولی شرطی است علم همراه عمل باشد، چون اگر علم بدون عمل باشد بجز باری چیزی نیست .

علم چون بر دل زند یاری شود علم چون بر تن زند باری شود (۹)
یا به جای دیگر مولانا می گوید :
ای بسا عالم ز دانش بی نصیب حافظ علم است آنکس نی حبيب (۱۰)
در بیان ترک هوا و هوس نفسانی در بیت زیر مولانا می گوید که ترک کردن شهوت و هوس یک نوعی از سخاوت شمرده می شود که شاخی از سرو بهشت است ولی افسوس بر آن کس که او این شاخ را از دست می دهد . این هم درست است که ترک هوا و هوس دنیوی روح انسان را تا اوج بلندی می رساند.

ترک شهوت ها و لذت ها سخاست هر که در شهوت فرو شد بر نه خاست
این سخا شاخی است از سرو بهشت وای او کز کف چنین شاخی بهشت
عروۃ الوثقی است این ترک هوا بر کشد این شاخ جان را بر سما (۱۱)
درباره توکل و تسلیم مولانا نصیحت کرده می گوید که در هر کار باید توکل بر خدای بزرگ و برتر داشته از خود سعی و کوشش کن و نتیجه کار را بر تکیه خدا بگذار و یقین دان که هرچه در کار تو پیش می آید حتماً مبنی بر مصلحت خواهد شد .

گر توکل می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن (۱۲)
و همین روش سنت پیامبر هم است که در هر کار توکل و تسلیم را نه فقط پیشه می کرد بلکه به دیگران هم تلقین می کرد که اساس هر کار را بر خدا بگذارید همین جاست که خدا برای بندگان بهترین ها را انتخاب می کند .

گفت آری گر توکل رهبر است این سبب هم سنت پیغمبر است
گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند
رمز الکاسب حبیب الله شنو از توکل در سبب کاهل مشو (۱۳)
یا به جای دیگر می گوید :

کوزه چشم حریصان پر نشد تا صدف قانع نشد پر در نشد (۱۴)
در ابیات زیر مولانا همنشینی و صحبت بزرگان و عارفان را ترجیح می دهد و می گوید که خوشبخت است آنکسی که صحبت راه سلوک را نه فقط اختیار می کند و در عشق حقیقی مستغرق شده زندگی جاودانی می یابد و افسوس بر آنکسی که در این زندگی دو

روژه صحبت دنیا داران را اختیار می کند و آنها را مولانا در ردیف مردگان آورده است چون ازین طریق انسان هدف اصلی زندگی خود را برای این دنیای بی ثبات از دست می دهد .

ای خنک آن مرد کز خود رسته شد در وجود زنده ای پیوسته شد

وای آن زنده که با مرده نشست مرده گشت و زندگی از وی بجست (۱۵)

مولانا می فرماید کسی که در عشق الهی مستغرق می شود بدان که او وارد کان زر شده است که هرچه جلو می رود عشق بیشتر می شود تا اینکه او به از کان زر به کان لامکان می رسد. یعنی این ثروت دنیا برای او اصلاً اهمیت و ارزش را از دست می دهد. او همه وقت فقط در عشق خداوند متعال غرق می ماند و همین متاع اوست:

عشق بینایان بود بر کان زر لاجرم هر روز باشد بیشتر

زانکه کان را در زر نبود شریک مرحبا ای کان زر لا شک فیک

هر که قلبی را کند انباز کان وا رود زر تا به کان لامکان (۱۶)

مولانا به انسان توصیه می کند که برای افزونی نعمت ها لازم است که شکر نعمت ها را بجا آورده شود به صورت دیگر چیزهای بدست آورده نیز از دستش می روند .

سعی شکر نعمتش قدرت بود جبر تو انکار آن نعمت بود

شکر قدرت قدرتت افزون کند جبر نعمت از کفت بیرون کند (۱۷)

به نظر مولانا زبان یکی از بهترین و یکی از بدترین اعضای بدن است اگر این زبان به درستی و برای دلسوزی دیگران به کار آورده شود کارش اولی است و گرنه از دست همین زبان انسان به گونه ای زجر می بیند که درمانش امکان پذیر نیست.

ای زبان تو بس زبانی بر وری چون تویی گویا چه گویم من ترا

ای زبان هم آتش و هم خرمی چند این آتش در این خرمن زنی

ای زبان هم گنج بی پایان تویی ای زبان هم رنج بی درمان تویی (۱۸)

در همین روال به مردم توصیه می کند که هر کس که از راه شریعت محمدی (ص) هر چه قدر دور می شود لاجرم دیو (شیطان) همراهی او را اختیار می کند و او را از راه راست به طرف راه کج راهنمون می شود و سر انجام انسان هدف اصلی خود را فراموش می کند و از لذات اصلی و معنوی جهان دنیوی و اخروی بی بهره می ماند.

هر که سوی خوان غیر تو رود دیو با او دان که همکاسه بود

هر که از همسایگی تو رود دیو بی شکی که همسایه ش شود

ور رود بی تو سفر او دور دست دیو بد همراه و هم سفره وی است (۱۹)

امثال این تعدادی زیاد در اشعار مثنوی گنجانیده شده است که آوردن آن همه را در این مقاله خارج از مجال می باشد. در آخر فقط به ابیات زیر که درباره شان محمدی ^{صلی الله علیه و سلم} سروده شده اند مقاله به اختتام می رسانم :

یا رسول الله رسالت را تمام تو نمودی همچو شمس بی غمام

این که تو کردی دوصد مادر نکرد عیسی از افسونش با عازر نکرد

از تو جانم از اجل نک جان ببرد عازر ار شد زنده ز آن دم باز مرد (۲۰)

نتیجہ گیری:

به علت مضامین اخلاقی و حکمی که در مثنوی معنوی مطرح شده اند بدون شک این منظومه طولانی یکی از شاهکارهای بزرگ شعر فارسی به شمار می رود و در هفت قرن اخیر مورد مطالعه اهل ذوق در ایران و شبه قاره قرار گرفته است. همچنان قصص الانبیاء که مولانا در مثنوی معنوی به آنان جا داده است نه فقط مثنوی را تزئین داده است بلکه گفته جامی را نیز به اثبات می رساند:

مثنوی معنوی مولوی هست قرآن در زبان دری



منابع و ماخذ

۱. صدیقی، ظهیر احمد (۲۰۰۲م) گنجینه معانی، دانشگاه گورنمنت کالج لاهور، مجلس تحقیق و تالیف فارسی، ص ۵۹.
۲. سید، اظہر عنصر (۱۳۹۳ش) «تذکره انبیاء و رسل در مثنوی معنوی» فصلنامه دانش ۱۱۹، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص ۲۴.
۳. صفاء ذبیح الله (۱۳۸۶ش) تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، بخش اول، تهران، انتشارات فردوس، ص ۴۶۱.
۴. احمد، سروش (۱۳۷۶ش) کلیات اشعار فارسی علامه اقبال لاهوری، تهران، انتشارات سنائی، ص ۸.
۵. همان، ص ۴.
۶. بلخی، مولانا جلال الدین محمد (۱۳۹۰) مثنوی معنوی، دفتر اول، هرمس، تهران، ص ۷-۸.
۷. همان، ص ۱۲۹.
۸. همان، ص ۳۹.
۹. همان، ص ۱۲۱.
۱۰. همان، دفتر سوم، ص ۳۷۵.
۱۱. همان، دفتر دوم، ص ۱۸۵.
۱۲. همان، دفتر اول، ص ۳۶.
۱۳. همان، ص ۳۵.
۱۴. همان، دفتر اول، ص ۶.
۱۵. همان، ص ۵۷.
۱۶. همان، دفتر ششم، ص ۷۶۴.
۱۷. همان، ص ۳۶.
۱۸. همان، ص ۶۲.
۱۹. همان، ص ۵۸۶.
۲۰. همان.
۲۱. صدیقی، ظهیر احمد (۲۰۰۳م) اخلاقیات ایرانی ادبیات مین، لاهور، مجلس تحقیق و تالیف فارسی گورنمنت کالج یونیورسٹی.
۲۲. فصلنامه دانش (۱۳۹۴) فهرست موضوعی مقالات دانش، شماره ۱۲۱، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

